یادداشت روز

خودکفایی در کشاورزی واجب‌تر از نان شب

امنیت غذایی از دیرباز یکی از اهداف مهم جوامع بشری بوده و حکومتها تلاش کرده‌اند به منظور ایجاد آرامش در میان مردمان خود به فکر تامین منابع پایداربرای غذا باشند. تا پیش از جنگ اوکراین شاید اهمیت امنیت غذایی برای بسیاری از مردم جهان خصوصا کشورهای غربی چندان ملموس نبود اما وقتی اوکراین که «سبد نان اروپا» نامیده می‌شد به مخمصه خورد جهان و خصوصا غربی‌ها بیش از پیش متوجه جایگاه مهم این گزاره امنیتی شدند. به واقع جنگ اوکراین به خوبی نشان داد ناامنی غذایی از جمله ابزارهایی است که می‌تواند به سرعت امنیت ملی کشورها را به مخاطره بیندازد. با آغازاین جنگ و توقف صادرات مواد اولیه غذا از اوکراین و روسیه، شاخص قیمت مواد غذایی «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (فائو) که قیمت‌های بین‌المللی کالاهای غذایی در سطح جهان را رصد می‌کند، در ماه مارس(فروردین امسال) به بالاترین حد خود از زمان شروع رکوردها در سال ۱۹۹۰ رسید. همین مسئله موجب کمبود شدید محصولات کشاورزی و گرانی وحشتناک آنها در منطقه یورو و بلافاصله بروز اعتراضات در کشورهای اروپایی شد بحران غذا آن‌قدر سریع در غرب جلوه کرد که رسانه‌های غربی مجبور شدند بی‌پروا مردمشان را به خوردن غذای کپک‌زده تشویق کنند! البته رسانه‌های غربی تلاش کرده‌اند تا در ماههای اخیر از التهابات این بحران کمتر بگویند و بنویسند اما واقعیت این است که غذا آن‌قدر اهمیت دارد که با ترفندهای رسانه‌ای هم نمی‌توان جایگاه آن را نادیده گرفت بنابراین در این بحران، کشورهایی موفق هستند که تاحد امکان وابستگی خود را به خارج کاهش داده و به تولید داخلی خود تکیه کنند.اتفاقا این برخلاف سیاست غلطی است که مدیران لیبرال سالها در کشور ما ترویج می‌کردند و خودکفایی کشاورزی را مزخرف می‌پنداشتند. متاسفانه نتیجه چنین سیاستی این شده که ما سالانه بین ۱۰ الی ۱۵ میلیارد دلار واردات مواد غذایی داشته باشیم که بخش مهمی از آن به روغن،گندم و بخش دیگربه خوراک دام و طیور اختصاص دارد.نکته تاسف بار تر اینکه این واردات در شرایطی انجام می‌شود که به گفته برخی مسئولان حال حاضر وزارت جهاد کشاورزی، کشور ما ظرفیت وآمادگی کامل برای تولید ۱۰۰ درصدی نیازهای مذکور را دارد. اما چرا از این ظرفیت استفاده نمی‌کنیم؟

۱- برخی فعالان حوزه کشاورزی معتقدند کشت دانه‌های روغنی و نهاده‌های دامی نیازمند آب فراوانی است که به دلیل اقلیم خشک ایران کشت چنین محصولاتی در کشورما اساسا غیرممکن و یا فاقد منطق صحیح اقتصادی است.در حالی که اولا بحران اوکراین نشان داد منطق اقتصادی باید پیوست امنیتی و سیاسی هم داشته باشد و نمی‌توان برای موضوع مهمی چون وابستگی غذایی به خارج صرفا نگاه تک بعدی داشت و فقط از دید اقتصادی به تحلیل این مقوله زیربنایی پرداخت. ثانیا در موضوع آب بر بودن محصولات فوق، اگر به سراغ شرکتهای دانش بنیان برویم قطعا مشکل تا حدود زیادی حل خواهد شد. رئیس‌سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی در همین باره معتقد است «اگر کشاورزان ما دانش‌بنیان باشند با تمام مشکلاتی که وجود دارد این تضمین وجود خواهد داشت که در سال‌های آینده هیچ مشکلی در حوزه تولید محصولات کشاورزی و غذایی نداشته باشیم.»

جالب است بدانیم در همین اقلیم خشک ایران و با همین کمبود آب برخی کشاورزان سالهاست چندین برابر سایر همکاران خود تولید باکیفیت دارند. اخیرا در مراسم آغاز سال زراعی جدید نیز اعلام شد کشاورزان نمونه ۱۰برابر دیگر کشاورزان تولید محصول داشته‌اند بنابراین آیا جا ندارد بپرسیم این کشاورزان چگونه توانسته‌اند در همین اقلیم خشک و با کمبود آب، تولیدشان را ۱۰برابر دیگران افزایش دهند؟ هرچند شاید برخی کشاورزان موضوع مکانیزاسیون ماشین آلات را مطرح کنند اما یقینا نمی‌توان به استفاده از دانش روز و شرکتهای دانش بنیان در این موفقیت اشاره‌ای نکرد ثالثا کشت فراسرزمینی که چندسالی است مورد توجه تعدادی از کشاورزان قرار گرفته می‌تواند بخشی از مشکل کمبود آب را حل کند.

۲- یکی دیگر از چالش‌هایی که در سال‌های گذشته همواره مانع تولید بالا از سوی کشاورزان بوده عدم التزام مدیران وکارگزاران به خودکفایی کشاورزی در عمل بوده است. یعنی چه بسا مسئولان تصمیم گیر به زبان از خودکفایی سخن بگویند اما در عمل مخالف این حمایت زبانی اقدام کنند. به عبارتی اتفاق نظر و وحدت‌رویه در میان سیاستگذاران و تصمیم گیران این حوزه وجود نداشته است و شاید کماکان بعضی افراد همچنان از واژه خودداتکایی در سخنانشان استفاده می‌کنند که این خود نوعی عدول از قانون محسوب می‌شود. این البته جدای از مقامات اثرگذاری است که طی سال‌های اخیر، تحقق خودکفایی را مزخرف تلقی کرده و بدون ملاحظات کافی و به صورت یک طرفه طرح‌های نکاشت را مطرح کردند. البته خوشبختانه مسئله خودکفایی در دولت سیزدهم از مواردی بوده است که همواره اغلب مقامات مسئول بدان تاکید کرده‌اند و حتی از نگاه رئیس‌جمهور آن‌قدرمهم بوده که ایشان برای اولین بار چند روز پیش در مراسم معرفی و تجلیل از برگزیدگان نمونه کشوری بخش کشاورزی شرکت کردند، حرکتی که از سوی رئیس‌جمهور پیشین انجام نشده بود. بسیاری از ناظران، حضور رئیس‌جمهوری در آغاز سال زراعی امسال را توجه هر چه بیشتر دولت به کشاورزی ارزیابی کردند و البته عده‌ای نیز موضوع را فراتر از اهمیت دولت به این موضوع، بلکه برآمد اهمیت امنیت غذایی در کشور و صحنه جهانی و ضرورت پرداختن به آن قلمداد کردند.

به هرحال اتخاذ سیاست واحد در موضوع خودکفایی کشاورزی و التزام تمامی دست‌اندرکاران به اجرای عملی این سیاست قطعا می‌تواند به تولید بیشتر کمک وافری نماید.

۳- قیمت گذاری پایین و یا دیرهنگام محصولات کشاورزی یکی دیگر از چالش‌هایی است که در سال‌های گذشته مانع خودکفایی پایدار در محصولات استراتژیک شده است. متاسفانه این مسئله در سال‌های آخر دولت آقای روحانی حتی موجب شد تا ما ضمن از دست دادن موفقیت ارزشمند سال‌های قبل در خودکفایی گندم به واردکننده این محصول تبدیل شویم. خوشبختانه دولت سیزدهم در یک‌سال اخیر نرخ خرید تضمینی برخی محصولات با اهمیت همچون گندم را به موقع و مناسب اعلام کرده که همین مسئله موجب شده تا به اذعان عطاءالله‌هاشمی رئیس‌بنیاد ملی گندمگاران «این اقدام دولت مورد رضایت کشاورزان قرار گرفته و در صورتی که بارندگی خوبی داشته باشیم، میزان تولید در سال زراعی آینده از ۱۱ میلیون تن می‌گذرد و نیازی به واردات گندم نخواهیم داشت».

البته در موضوع قیمت گذاری باید جانب مصرف‌کننده را هم در نظر داشت تا خدای‌ناکرده محصولات تولید شده کشاورزان به دلیل قیمت بالا روی دستشان نماند.اخیرا رئیس‌اتحادیه بارفروشان اعلام کرد «امسال تولید محصولات کشاورزی ما ۱.۵ برابر نسبت به سال قبل بیشتر شده ولی از آن طرف تقاضای خرید و مصرف میوه و صیفی ۵۰ تا ۶۰ درصد کاهش یافته است.» یکی از دلایل این اتفاق، گرانی بیش از حد میوه و صیفی است که قدرت خرید مصرف‌کننده را پایین آورده است.در این میان نکته عجیب این است که با وجود افزایش قیمت میوه و صیفی، کشاورزان وباغداران از قیمت پایین خرید محصولات خود بر سر مزرعه و باغ گلایه دارند. متاسفانه نقش واسطه‌های غیرمنصف و بعضا سودجو سالهاست کشاورزی ما را دچار مشکل کرده و دولت‌ها نیز هنوز موفق به مقابله با این پدیده ناهنجار نشده‌اند. پررنگ‌کردن نقش اتحادیه‌های کشاورزی راهکاری است که وزارت کشاورزی فعلی برای کاهش اثر واسطه‌ها دنبال می‌کند هرچند فعلا معلوم نیست تا چه میزان می‌توان به تاثیرگذاری این گزینه امیدوار بود زیرا همچنان قیمت میوه و صیفی برای مصرف‌کننده بالاست. ضمن اینکه برخی اتحادیه‌ها نیزظاهرا فقط افزایش قیمت را بلدند و تا مشکلی در تولید پیش می‌آید به سرعت پیشنهاد گرانی قیمت محصولاتشان را می‌دهند مثل گرانی دوباره قیمت مرغ که در روزهای اخیر از سوی اتحادیه مربوطه مطرح شده است. این درحالی که همین چند ماه پیش به بهانه مردمی‌سازی یارانه‌ها قیمت مصوب مرغ افزایش قریب به ۵۰درصدی پیدا کرده بود.

۴- عدم اجرای الگوی کشت و نیز نبود آمارهای دقیق از میزان تولیدات کشاورزی و دامی یکی دیگر از موانعی است که باعث وابستگی کشور به محصولات استراتژیک می‌شود. قصه تکراری کمبود یک محصول در یک‌سال و فراوانی همان محصول در سال بعد ناشی از عدم اجرای الگوی کشت است.اغلب وزرای جهادکشاورزی دلیل عدم اجرا را به مسائل دیگر نظیر اینکه این کار نیازمند همراهی همه دستگاهها و همه زارعان است ربط می‌دهند که شاید چندان این پاسخ قانع‌کننده به نظر نیاید اما به هرحال ضرورت اجرای این اقدام را همگان درک می‌کنند و بر انجامش تاکید دارند ولی در عمل همچنان کار بایسته‌ای صورت نگرفته است. نکته دیگر اینکه نبود اطلاعات دقیق از موجودی تولیدات دامی و کشاورزی همواره سیاست گذاران را به اشتباه‌انداخته است.همین چند روز پیش وزیر جهادکشاورزی در گفت‌وگوبا خبرنگاران به گرانی ناگهانی گوشت قرمز در بهمن سال گذشته اشاره کرد و گفت: «تا پیش از این گرانی به ما گفته شده بود که براساس آمار پلاک گوش گوسفند بیش از یک میلیون گوسفند داریم اما وقتی قیمت‌ها بالا رفت ما گفتیم خب این یک میلیون را چرا ذبح نمی‌کنند فکر کردیم شاید صادر می‌شود اما از گمرک که پرسیدیم گفتند فقط ۴۹هزار راس دام صادر شده تازه آنجا بود که فهمیدیم آمار پلاک گوش دقیق نیست». این توضیحات نشان می‌دهد وجود آمار به روز از تولیدات کشاورزی تا چه میزان می‌تواند برای کنترل بازار مفید و موثر باشد.

۵- وجود ضایعات فراوان کشاورزی یکی دیگر از موانع عدم تحقق خودکفایی ایران در کشاورزی است. در حال حاضر طبق گفته مسئولان، نرخ ضایعات محصولات کشاورزی ما سالانه ۲۵ تا ۳۰ درصد است که متاسفانه برای ایجاد همین ضایعات ۱۴ میلیارد متر مکعب آب مصرف شده است یعنی هفت برابر سد دزا عجیب اینکه علاوه‌بر آب، کود، بذر، سم و سایر ملزومات را نیز برای این حجم از محصولات صرف می‌کنیم که متاسفانه تبدیل به ضایعات می‌شوند. در کنار این حجم از ضایعات کشاورزی،مصرف بی‌رویه غذاهایی که نیاز به آب فراوان هم دارد سبب شده تا تولید داخل علی‌رغم افزایش معنادار بازهم جوابگوی این مصرف نباشد. مثلا طبق پژوهش‌های انجام شده،تولید هر یک کیلو برنج ۴ تا ۴ هزار و ۶۰۰ لیتر آب نیاز دارد و در کشور ما به جز دو استان گیلان و مازندران؛ چنین آبی وجود ندارد. طبعا باید غذای ما ایرانی‌ها مطابق با این اقلیم تعریف شود در حالی که برخلاف این واقعیت طبیعی، برنج با این حجم از آب بالا به غذای ثابت ما ایرانی‌ها تبدیل شده که چون نیاز داخلی پاسخگوی مصرفمان نیست پس باید سالانه حداقل بیش از یک میلیون تن برنج خارجی وارد کنیم. بنابراین تغییر الگوی مصرف در بشقاب غذای ما اگر چه امری سخت است اما با توجه به تحولات فعلی جهان و افزایش ضرورت خودکفایی در محصولات استراتژیک چاره‌ای جز این نداریم.

کمال احمدی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

همه عزاداران ملکه از وهابیون و سلطنت‌طلبان تا بهائیان و غربگرایان

سرویس سیاسی-

با مرگ ملکه انگلیس، ۷۰ سال سلطنت توأم با استعمار، جنایت، حمایت از دیکتاتورها و کودتا علیه دولت‌های مردمی در سراسر دنیا پایان یافت اما جامه‌درانی طیف عزادار او از وهابیون و سلطنت‌طلبان تا بهائیان و غربگرایان برای این ملکه جنایتکار، چهره واقعی دشمنان ملت ایران را بیش از پیش آشکار کرد.

ملکه الیزابت دوم پس از ۷۰ سال سلطنت در خاندان پادشاهی انگلیس درحالی درگذشت که در سیاستهای استعماری این کشور در دهه‌های اخیر نقش محوری داشت و دستش به خون هزاران فرد بی‌گناه در کشورهای جهان سوم آلوده است.

درحالی که برخی بر این باور بودند که مقام ملکه در انگلیس هم مثل سایر نظام‌های مشروطه سلطنتی، تشریفاتی است اما ملکه نقش مهمی در جهت‌دهی به سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور بازی می‌کرد و فرمان هدایت این کشور را در دستان خود داشت. ملکه الیزابت برخلاف چهره خندانی که داشت اما در پس این لبخندها، میراث خونینی نهفته است که در بسیاری از کشورها می‌توان رد پای آن را به خوبی مشاهده کرد.

انگلیس که زمانی بزرگ‌ترین کشور استعمارگر در جهان بود و می‌گفتند که «آفتاب در بریتانیا هیچ‌گاه غروب نمی‌کند»، این سیاست‌های استعماری در دوران بعد از جنگ جهانی دوم هم که نفوذ بریتانیا افول کرد ادامه پیدا کرد که همگی تحت لوای ملکه انجام شد.

هرچند حاکمان انگلیس و خاندان سلطنتی همواره سعی می‌کردند تا از الیزابت دوم چهره‌ای رئوف و مهربان در دنیا ترسیم کنند که حامی حقوق بشر، حامی محیط‌زیست و حیوانات است اما تاریخ سیاسی این کشور در اقصی‌نقاط جهان پر است از خشونت و جنایت‌هایی که بخشی از آنها نیز در دوران زمامداری ملکه انجام شده است.

مرور جنایات انگلیس علیه ملت ایران

اولین سال حکمرانی ملکه با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران همزمان شد و با همکاری انگلیس و آمریکا دولت محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران از قدرت برکنار شد. هرچند بسیاری این کودتا را طرح آمریکایی می‌دانند اما در اصل این برنامه با نقشه انگلیسی‌ها ولی به دست آمریکایی‌ها انجام شد. براساس برخی اسناد، انگلیس که قصد داشت تا همچنان نفت ایران را چپاول کند، تنها با صرف هزینه ۷۲ هزار دلار در بین برخی اوباش داخل ایران، این کودتا را به سرانجام رساند و با این اقدام در ناخودآگاه همه ایرانی‌ها تصویر منفوری از حاکمان انگلیس نقش بسته و ملکه در آن سهم بسزایی داشته است. نقش مخربانه انگلیس علیه ایران در دوره زمامداری ملکه تنها به کودتا محدود نمی‌شود بلکه لندن در سال ۱۹۷۱ زمانی که بریتانیا قصد داشت تا نیروهای خود را از غرب آسیا خارج کند، با مکر استعماری، بحرین را از سرزمین ایران جدا کرد و ایرانی‌ها هیچ‌گاه این اقدام لندن را از یاد نخواهند برد.

قحطی بزرگ و نسل‌کشی میلیون‌ها ایرانی، سرنگونی نهضت مشروطه، شهادت رئیسعلی دلواری رهبر قیام جنوب در تنگستان و بوشهر علیه استعمار انگلیس، شهادت شیخ فضل‌الله نوری از روحانیون برجسته دوره مشروطه، دست داشتن در عزل و قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر، حمایت از رژیم دیکتاتوری پهلوی، جداسازی افغانستان از ایران، خدمات و حمایت‌های کم‌نظیر به صدام در جنگ تحمیلی و تجهیزکننده ماشین جنگی صدام به تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای، جنایت و حمایت از جانیان و تروریسم علیه ملت ایران، فهرستی عریض و طویل از تحریم‌ها ایران در حوزه‌های مختلف و... تنها گوشه‌ای از جنایات انگلیس علیه ملت ایران در سده گذشته بوده است.

کشورهای عربی و اعلام عزای عمومی به مناسب مرگ ملکه جنایتکار!

به‌رغم مداخلات و جنایات انگلیس به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، پس از مرگ الیزابت دوم در عصر روز پنجشنبه، برخی از کشورهای عربی در اقدامی تملق‌آمیز قبل از انگلیس برای مرگ ملکه عزای عمومی اعلام کردند. نخستین کشور اردن بود؛ بشر الخصاونه نخست‌وزیر اردن ضمن ابراز تاسف به سرعت ۳ روز عزای عمومی در این کشور اعلام کرد. این در حالی بود که لندن هنوز مدت زمان عزای عمومی در انگلیس را اعلام نکرده بود. نجیب میقاتی نخست‌وزیر دولت پیشبرد لبنان نیز طی یادداشتی سه روز عزای عمومی به مناسبت فوت ملکه انگلیس اعلام کرد. کشورهای امارات، کویت، بحرین و قطر به تبعیت از تملق و چاپلوسی بقیه کشورها، ضمن نیمه افراشته کردن پرچم‌ها ۳ روز عزای عمومی اعلام کردند. عمان نیز یک روز عزای عمومی برای فوت ملکه اعلام کرد.

مرگ ملکه و رسوایی بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی فارسی

اما مرگ ملکه انگلیس رسوایی دیگری برای بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی فارسی به بار آورد و رفتار شبکه‌های مختلف کمپانی خبری BBC به علت اتصال مستقیم به دربار سلطنتی انگلستان به نحو دیگری مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت.

رسانه‌ای که بارها سعی کرده بود خودش را مستقل جلوه دهد، در اولین گام بخش نظرات خودش را بست. در ادامه با سانسور جنایات، دارایی‌ها و اموال خانواده سلطنتی غالب اخبار خودش را به موضوع مرگ ملکه که برای ایرانیان دارای ارزش خبری پایین است، اختصاص داد. حتی مجریان مرد این شبکه همه با کراوات سیاه و مجریان زن با لباس مشکی برنامه اجرا کردند. رسانه‌های اول جهان هم به‌رغم بازتاب واکنش کشورهای جهان در سطوح دولتی و ملی به این واقعه، از بازتاب ملت‌های خاورمیانه به این اتفاق سر باز زدند. بی‌بی‌سی فارسی و عربی هر کدام با اشتراک‌گذاری ۱۵ پست مربوط به مرگ الیزابت، درصدر حساب‌های منشعب از بی‌بی سی به لحاظ پوشش این واقعه هستند. مسئله‌ای که از سوی دنبال‌کنندگان هر کدام به ترتیب با حدود ۱۷ و ۲ میلیون فالور، مورد نقد و حتی تمسخر قرار گرفت تا جایی که این دو اکانت مجبور به بستن کامنت‌ها شدند. بازدید هیچ‌یک از پست‌های حساب فارسی از ۱۳۰ هزار فراتر نمی‌رود و پربازدیدترین پست اکانت عربی هم به زحمت به رقم ۵۰ هزار رسیده است.

این موضوع بدون تردید به سابقه مواجهه انگلستان با ملت‌های فارسی و عرب‌زبان خاورمیانه بازمی‌گردد. مواجهه‌ای که در طول تاریخ همواره مملو از استعمارگری، سوءاستفاده از منابع ملت‌ها و غارتگری و مداخله سیاسی و نظامی در امور داخلی کشورها به نفع بریتانیا بوده است. مسدود شدن امکان ارسال نظرات خصوصاً در دو حساب فارسی و عربی بی‌بی‌سی نشان می‌دهد این شبکه علی‌رغم داعیه استقلال و آزادی بیان، در همه شعبه‌های خود رویکردی یکدست داشته است. موضوعی که به نظر می‌رسد حتی در سطح رسانه‌های جریان اصلی جهان نیز تکرار شده و منافع سیاسی و اقتصادی دولت‌ها و رسانه‌ها، آنان را از بازتاب واقعیت‌ها درباره ۷۰ سال سلطنت ملکه بریتانیا بازداشته است. حال سؤال این است چرا باید سلطنت موروثی در انگلستان، بلژیک، هلند، اسپانیا و... و بسیاری از کشورهایی به ظاهر دموکراتیک که زادگاه لیبرال دموکراسی بوده‌اند، حفظ گردد و این‌قدر با زرق و برق جلوه داده شود؟ پاسخ همین جمله بر تصویر ملکه است که شبکه بی‌بی سی اقرار کرده است: «نقطه ثبات در جهان متحول». به تجربه فهمیده‌اند که دموکراسی مطلق یک آرزوی بیهوده و بسیار رمانتیک است. نمی‌توان در همه موارد به دموکراسی رفتار کرد، موضوعاتی پیش می‌آید که در نهایت یک نفر باید تصمیم نهایی را بگیرد.

نظام‌های غربی که با عقل مادی ضرورت یک محور ثبات‌آفرین در نظام سیاسی را فهمیده‌اند و در این روزگار دموکراسی‌زده بدون خجالت و با تمام امکانات از سلطنت و یا رهبر ویژه(همچون آمریکا که رئیس‌جمهور اختیارات خاص دارد) آشکارا دفاع می‌کنند. مویه و ناله عمله و مزدبگیران بی‌بی‌سی را بنگرید!

اما هر محور ثبات‌آفرین را در کشورهای مستقل از سیاست‌های غرب، استبدادی و در تعارض با دموکراسی، توصیف می‌کنند. چرا؟! چون نقش و اهمیت این جایگاه را می‌فهمند!

سوگواری افراطیون مدعی اصلاحات برای ملکه استعمار و جنایت

نکته قابل تامل اما واکنش رسانه‌های طیف مدعی اصلاحات بود که همانند صحنه‌گردانان اجاره‌ای مجالس عزا، در غم فقدان ملکه کشوری جنایتکار علیه ملت ایران جامه‌درانی کردند. خطی که این رسانه‌ها در واکنش به مرگ ملکه انگلیس در پیش گرفتند، دقیقاً هم‌راستا با خط رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی و دیگر رسانه‌های معاند بود.

روزنامه‌های سازندگی، هم میهن، شرق و آرمان ملی در گزارش‌های مفصل بدون اشاره به جنایات انگلیس خبیث علیه ملت ایران در دوره سلطنت الیزابت دوم، تلاش کردند ضمن تطهیر وی چهره‌ای رئوف و مهربان از این ملکه جنایتکار ترسیم کنند که حامی حقوق بشر، محیط‌زیست و حتی حیوانات بود منعکس کنند! به‌عنوان مثال روزنامه شرق در مطلبی با عنوان «عصر جدید بریتانیا» نوشت: «توفیق ملکه الیزابت دوم در حفظ سلطنت و برقراری ثبات در بریتانیا در پرتلاطم‌ترین دوران با چالش‌های داخلی و خارجی فراوان و جهانی به سرعت در حال تغییر، از نقاط مثبت این سلطنت ۷۰ ساله محسوب می‌شود. با درگذشت ملکه الیزابت، چارلز پسر ارشدش که ۷۳ سال دارد، قرار است رسماً عنوان پادشاهی به او اعطا می‌شود.»

در ادامه این مطلب آمده است: «چارلز هفت دهه در صف تاج و تخت قرار داشت. نه او و نه درباریان هرگز مایل نبودند که درباره این لحظه خاص به‌طور علنی صحبت کنند. چشم‌انداز مرگ ملکه همیشه برای آنها یک موضوع خصوصی غم‌انگیز در نظر گرفته می‌شد؛ اما با ابراز نگرانی پزشکان ملکه از وضعیت سلامتی الیزابت دوم، به تغییر در وضعیت نقش وارثی که زندگی چارلز را از سه‌سالگی یعنی از سال ۱۹۵۲ که مادرش به سلطنت رسیده بود، تحت تأثیر قرار داده بود، نزدیک شد... در نظرسنجی اخیر مؤسسه YouGov در ماه می... محبوبیت و مقبولیت ملکه ۸۱ درصد بود.»

استقبال مدعیان اصلاحات از نخست‌وزیر اسرائیل دوست انگلیس!

این طیف سیاسی همچنین در جریان انتخاب «ماری الیزابت تراس» به سمت نخست‌وزیری انگلیس در اقدامی هماهنگ در صفحه اول خود و به شکلی برجسته به استقبال این نخست‌وزیر ضدایرانی و دوست نزدیک اسرائیل رفتند.

روزنامه‌های اصلاح‌طلب با تیترهایی از جمله «خانم نخست‌وزیر»، «یکی از آن سه زن»، «تمام چالش‌های خانم نخست‌وزیر» و... به خبر انتخاب نخست‌وزیر جدید انگلیس پرداختند. این رسانه‌ها به هیچ عنوان به مواضع «لیز تراس» نخست‌وزیر جدید انگلیس درباره ایران پرداختند.

فردی که نقشی مخرب در جریان مذاکرات رفع تحریم‌ها ایفا کرد و در بحبوحه گفت‌وگوهای وین با برگزاری دو نشست سیاسی در سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو گروه هفت و شورای خلیج‌فارس و همچنین اظهارنظرها و نوشتارها سعی بلیغی داشت که به فضاسازی منفی علیه گفت‌وگوها بپردازد. تراس بهمن سال گذشته در سخنانی غیرسازنده و متناقض با آنچه در روند مذاکرات می‌گذشت، مدعی شد که گفت‌وگوها در حال نزدیک شدن به بن‌بستی خطرناک است.

او در آخرین مناظره انتخاباتی هم ضمن تکرار اتهامات علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و حمایت از رژیم صهیونیستی، ادعا کرد که در صورت پیروزی در انتخابات، اولویت نخست دولت وی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی است. «تراس» در قبال جمهوری اسلامی ایران با بی‌پروایی تمام، به‌صورت کورکورانه و بدون هیچ تأملی از سیاست مخرب و هرج‌ومرج‌طلب رژیم صهیونیستی تبعیت می‌کند. یائیر لاپید، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی تیرماه گذشته در صفحه توئیترش از گفت‌وگو با لیز تراس، خبر داده و ضمن دوست خطاب کردن وی نوشته بود: با لیز تراس، وزیر امور خارجه (وقت) انگلیس صحبت کردم و از او بابت موضع مصمم انگلیس علیه ایران قدردانی کردم.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

خودت غلط کردی!

گفت: روزنامه دیلی میل انگلیس با انتشار تصویری از یک ابر نوشت؛ لحظه شگفت‌انگیز ابری شبیه ملکه الیزابت تنها چند ساعت پس از مرگ او بر فراز شهر لندن تشکیل شده است!

گفتم: ولی آن ابر که در تصویر آمده ابر سیاه است!

گفت: برخی دیگر هم تصویر همان ابر را منتشر کرده‌اند که شبیه روباه است!

گفتم: شخصی نزد پادشاه رفت و گفت؛ قربان! دیشب شما را خواب دیدم که روی ابرها حرکت می‌کردید، شاه که خیلی خوشش آمده بود خواست شکسته نفسی کند و گفت؛ ما کجا و این خواب کجا؟ یارو گفت؛ قربان سوار اسب بودید ولی قیافه‌تان شبیه بوزینه بود و به‌جای تاج هم، پوست هندونه رو سرتون بود! پادشاه با عصبانیت گفت؛ تو غلط کردی و به گور پدرت خندیدی که خواب مرا دیده‌ای! و یارو گفت؛ خودت غلط کردی و به گور پدرت خندیدی که به خواب من آمدی!

نامه ایران به سازمان ملل در پی ادعای بی‌اساس دولت آلبانی

سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به دبیرکل این سازمان، ادعای بی‌اساس دولت آلبانی را رد کرد و نسبت به هرگونه اقدام تحریک‌آمیز و غیرموجه هشدار داد.

«امیرسعید ایروانی» سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک در نامه‌ای به دبیرکل این سازمان اتهامات اخیر دولت آلبانی علیه جمهوری اسلامی ایران را بی‌اساس خواند و تأکید کرد: کشورم به‌دروغ متهم به حمله سایبری شد.

نماینده دائم کشورمان در این نامه افزود: جمهوری اسلامی ایران هرگونه انتساب حمله سایبری ادعایی به زیرساخت‌های آلبانی را قاطعانه رد و محکوم می‌کند. درنتیجه، اتهاماتی که به ایران وارد شده است، کاملاً بی‌اساس بوده و رد می‌شود.

ایروانی همچنین تصریح کرد: این‌گونه ادعاهای ساختگی و کذب تنها با جعل و فرضیات طرح‌شده با اهداف سیاسی مطرح شده است. علاوه بر این، با توجه به ماهیت و ویژگی‌های فنی فضای سایبری، ایران نسبت به امکان طراحی و اجرای طیف وسیعی از سناریوهای حمله سایبری توسط شواهد جعلی و ساختگی برای انتساب این حملات به دولت‌ها هشدار می‌دهد.

در نامه نماینده دائم ایران اشاره شده که جمهوری اسلامی ایران بار دیگر بر موضع پایدار خود تأکید می‌کند که فضای سایبری و فناوری‌های مرتبط با آن باید صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز استفاده شود و دولت‌ها باید با همکاری، مسئولانه و با رعایت کامل حقوق بین‌الملل قابل‌اعمال اقدام کنند. ایران این رویکرد را در فضای سایبری بین‌الملل حفظ می‌کند که مبتنی بر رفتار هنجاری و مسئولانه دولت در زمان صلح است. سفیر کشورمان در این نامه اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران از دیرباز هدف اصلی و قربانی اصلی حملات سایبری زیرساختی بوده است که در ارائه خدمات عمومی و دولتی اختلال ایجاد کرده است. حملات «استاکس نت» و «دوکو» به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و همچنین حملات اخیر به زیرساخت‌های صنعتی مانند صنایع فولاد و پتروشیمی نمونه‌هایی از این حملات سایبری هستند. همچنین رژیم صهیونیستی بارها به دخالت خود در این حملات جنایت‌کارانه که از حمایت بی‌دریغ آمریکا برخوردار شده، اعتراف کرده است.

هشدار نسبت به هرگونه اقدام تحریک‌آمیز و غیرموجه

سفیر و نماینده دائم ایران در این نامه به امکان طراحی عملیات و حملات سایبری و فعالیت‌های خرابکارانه گروهک تروریستی منافقین با هدف انتساب این اقدامات خرابکارانه به ایران اشاره کرده و گفته است که این سازمان تروریستی موردحمایت رژیم اسرائیل، قادر به برنامه‌ریزی و اجرای حملات سایبری به زیرساخت‌های دیگر کشورها از داخل خاک آلبانی است و تاکنون نیز این گروهک تروریستی چندین حمله سایبری تروریستی علیه زیرساخت‌های ایران با کمک و حمایت برخی از کشورها انجام داده است.

نماینده دائم ایران همچنین تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران ضمن هشدار نسبت به هرگونه اقدام تحریک‌آمیز و غیرموجهی که تحت پوشش ادعاهای بی‌اساس انجام می‌شود، حق ذاتی خود را برای پاسخگویی، مطابق حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، به هرگونه تهدید، حمله یا اقدام غیرقانونی که منافع، زیرساخت‌های حیاتی و غیرنظامی آن هدف قرار دهد، به تناسب و هر زمان که لازم بدانند، محفوظ می‌دارد.

سفیر و نماینده دائم ایران در پایان این نامه تعرض پلیس آلبانی به اماکن دیپلماتیک ایران را نقض آشکار تعهدات بین‌المللی آلبانی دانسته و تأکید کرده که پلیس آلبانی با توسل به زور و بدون رضایت ایران وارد نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در تیرانا شدند.

چنین تجاوزی نقض آشکار حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل مصونیت اماکن دیپلماتیک و کنسولی و همچنین تعهدات کشورها بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در رابطه با روابط کنسولی است، که همه کشورها را ملزم به رعایت آنها بوده و متعهد هستند تا اقدامات مقتضی برای حفاظت از اماکن دیپلماتیک و کنسولی در برابر هرگونه تعرض یا آسیب و جلوگیری از هرگونه خسارات به این اماکن اتخاذ کنند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* سپاه و ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌روند تا ان‌شاءالله به زودی به سلطان استقرار امنیت در خلیج‌فارس تبدیل شوند. با تولیدجنگ افزارهایی مثل شناورهای پیشرفته، پهپاد، موشک‌های نقطه‌زن و... دیگر آمریکا جرأت عرض‌اندام در خلیج‌همیشه فارس را ندارد. به قهرمانان نیروهای مسلح این پیشرفت‌های خیره‌کننده را تبریک عرض می‌کنم.

برقبانی

* کتاب بدون دود و آتش و خون روایت جدید دولت قبل است که دیده شود. ولی مردم هیچ گاه فجایع مدیریتی، اشرافی‌گری‌ها، جولان جاسوسان، حقوق‌های نجومی، نرخ‌های نجومی و... در ۸ سال حاکمیت آنها را فراموش نخواهند کرد.

اصانلو

* روستای احمد فداله یکی از محروم‌ترین نقاط کشور و به شدت صعب‌العبور است. درود بر آقای رئیسی ریاست محترم جمهوری که وقت گذاشتند و به این روستای دورافتاده سرکشی کردند. در دولت قبل مسئولین استانی و محلی با سابقه ۸ سال مدیریت از چند کیلومتری این نقطه رد هم نشده بودند.

صفایی

* عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا یک فرصت طلایی برای کشور است و منجر به جهش صادرات محصولات غیرنفتی خواهد شد. در ضمن تجارت میان کشورهای عضو این اتحادیه اگر چنان‌که براساس ارزهای ملی صورت بگیرد این سیاست ارزی می‌تواند حاکمیت دلار را تضعیف کند.

رشیدپور

* عمران‌خان گفته برای پاکستان دو گزینه بیشتر نیست: یا انقلاب امام خمینی(ره) یا قطعنامه نرم (از طریق انتخابات). ولی دست‌های بیگانگان مانع تحقق این دو امر است. خدا را باید شکر کرد برای نظام اسلامی و ولایی خودمان.

آذرباد

* مذاکرات هسته‌ای خیلی کشدار شده و از طرف دیگر درهاله‌ای از ابهام قرار دارد. ولی آمریکایی‌ها نشان داده‌اند که در عمل صداقت ندارند و در حال گذراندن وقت هستند ولی باید بدانند بیشتر خودشان ضرر خواهند کرد.

ارجمندی

* او